





دانشگاه بیرجند

دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی

گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان‌نامه جهت اخذ درجه‌ی کارشناسی ارشد

رشته‌ی ادبیات تطبیقی فارسی - عربی

عنوان:

خوانش هرمنوتیکی نام داستان در آثار صادق هدایت و زکریا تامر

استاد راهنما:

دکتر ابراهیم محمدی

استاد مشاور:

دکتر عبدالرحیم حقدادی

نگارش:

عفت غفوری

تابستان ۱۳۹۲

«کلیه‌ی حقوق اعم از تکثیر، چاپ، نسخه‌برداری ...
این پایان‌نامه، متعلق به دانشگاه بیرجند است و
هر گونه سوء استفاده از آن، پی‌گرد قانونی
دارد»

نقل مطالب با ذکر منبع، بلا مانع است.

تقدیم به مادر عزیزم، عنوان هستی

واسطوره صبر و ایثار، که عصاره وجودش را
غذای روح ساخت و همواره بهشت حضورش
آرامبخش روح و جانم است. او بود که با حوصله
«دستم بگیرت و پا به پا برد، تا شیوه راه رفتن

آموخت

یک حرف و دو حرف بر زبانم، الفاظ نهاد و

گفتن آموخت

پس هستی من ز هستی اوست، تا هستم و

هست دارمش دوست»

و روح ملکوتی پدرم، معلمی بی‌همتا که

وجودش گرمابخش زندگی‌ام بود و از آن

هنگام که دل به سفری بی‌بازگشت سپرد

؛پندهایش سامان بخش خاطر پریشانم و دعای
خیرش بدرقه تاریک راه زندگی ام است .
و تمامی عاشقان علم و ادب که نور
وجودشان زداینده دیو تاریکی ست...

تقدیر و تشکر:

سپاس ایزد یکتا را که همواره در راه پر فراز و
نشیب زندگی یاور و پناهم بوده است و لطف و
نعمت های فراوانش را شمار نتوانم؛ واجب است
که او را برای تمامی داده هایش سپاس گویم،
به ویژه راه گشایی های محسوسش در زمان
نگارش این رساله. در این جا واجب می دانم از

تمامی کسانی که بنده را در نگارش این رساله و این دوره از تحصیل یاری نموده‌اند به ویژه استادان گرانقدرم که از دنیای بی‌کران فضل و دانش آن‌ها بهره‌های فراوانی برده‌ام تشکر نمایم.

همچنین از خانواده‌ام که همواره صبورانه در کنارم بوده‌اند و دوستانی چون گل لطیف به ویژه دوستان مهربانم خانم‌ها؛ نعیمه غفاریور و عفت فارغ که در جمع‌آوری منابع و سامان بخشیدن نوشته‌های پریشانم، بنده را یاری رساندند بی‌نهایت سپاسگزارم.

عنوان داستان، آستانه‌ی ورود به دنیای متن محسوب می‌شود و نقش دوگانه‌ای دارد، که چون رمزگان هرمنوتیکی عمل می‌نماید، گاه نوری بر دنیای متن می‌تاباند و گوشه‌ای از محتوای کلی آن را به نمایش می‌گذارد و با پوشاندن دیگر حقایق متن همچون حجابی بر جهان داستان قرار می‌گیرد و در ذهن مخاطب تنشی ایجاد می‌نماید که مخاطب را به منظور کشف آن به سوی متن می‌کشاند تا او خود، بتواند به زوایای پنهان جهان ذهنی نویسنده و نیز دنیای پر رمز و راز متن راه یابد و ایدئولوژی حاکم بر آن را کشف نماید. از آن‌جا که رویکرد هرمنوتیکی مبتنی بر تبیین نگاه نویسنده به عوامل مختلف و تحلیل تأثیر این نگاه بر گزینش نام داستان، در تحلیل چرایی نام‌گزینی داستان از جامعیتی نسبی برخوردار است، در این پژوهش از طریق خوانش هرمنوتیکی عناوین داستان، به تبیین نقش نگرش نویسنده در انتخاب عنوان پرداخته شده است و مهم‌ترین مؤلفه‌هایی که بر گزینش عنوان در داستان‌های دو نویسنده‌ی صاحب سبک فارسی و عربی، صادق هدایت و زکریا تامر مؤثر بوده، با نگاه تطبیقی، در پنج فصل مورد بحث و بررسی قرار گرفته است که فصل نخست آن، شامل کلیات نظری است. فصل دوم شامل نگاهی اجمالی به زندگی و آثار دو نویسنده است. فصل سوم ارتباط عنوان با متن داستان، فصل چهارم ارتباط عنوان با مؤلف و فصل پنجم ارتباط عنوان با مخاطب بررسی شده است و در پایان همین فصل مهم‌ترین نتایج به دست آمده ذکر شده است. در مجموع می‌توان گفت، این عناوین از سویی نشان دهنده‌ی آشنایی دو نویسنده با انواع شگردهای بلاغی‌اند و از دیگرسو، می‌توانند انعکاس دهنده‌ی مشکلات و شرایط دشوار زندگی مردم و فرهنگ رایج در عصر دو نویسنده باشند که ارتباط تنگاتنگی با نگرش نویسنده نسبت به مسائل متعدد متنی و برون متنی دارند. البته عناصر متنی و ادبی که به منظور پوشیدگی معنای متن و یا فشرده کردن آن در عنوان، به کار گرفته شده است با عوامل متعددی از جمله کوشش برای جذب مخاطب و گاه اقتضای شرایط بسته‌ی سیاسی، در پیوند است.

واژه‌های کلیدی: تحلیل تطبیقی، خوانش هرمنوتیکی، نام داستان، صادق هدایت، زکریا تامر.

فهرست مطالب

پیشگفتار	۱۱
فصل اول- کلیات نظری	۲۳
۱- هرمنوتیک	۲۳
۱-۱- واژه‌شناسی «هرمنوتیک»	۲۴
۲-۱- تاریخچه و مهم‌ترین نظریه‌پردازان هرمنوتیک	۲۴
۲- داستان کوتاه	۲۸
۱-۲- اصطلاح‌شناسی «داستان کوتاه»	۲۹
۲-۲- تفاوت داستان کوتاه با دیگر انواع ادبی متشور	۳۱
۳-۲- تاریخچه‌ی داستان کوتاه	۳۱
۴-۲- داستان کوتاه در ایران	۳۲
۱-۴-۲- دوره‌ی تکوین	۳۳
۲-۴-۲- دوره‌ی رشد و تثبیت	۳۴
۳-۴-۲- دوره‌ی ناهمگونی	۳۳
۵-۲- داستان کوتاه در سوریه	۳۵
۱-۵-۲- تلاش‌های اولیه	۳۶
۲-۵-۲- دوره‌ی تکوین	۳۷
۳-۵-۲- استحکام فنی	۳۷
یادداشت‌ها	۴۱
فصل دوم- زمینه و زمانه	۴۲
۱- نگاهی کوتاه به زندگی و آثار صادق هدایت	۴۱
۱-۱- جهان‌بینی هدایت و انعکاس آن در آثارش	۴۳
۲-۱- آثار هدایت	۴۵
۱-۲-۱- داستان‌ها	۴۶

۴۷ پژوهش‌ها	۲-۲-۱
۴۷ ترجمه‌ها	۳-۲-۱
۴۷ نگاهی کوتاه به زندگی و آثار زکریا تامر	۲
۴۹ جهان‌بینی تامر و انعکاس آن در آثارش	۱-۲
۵۲ آثار تامر	۲-۲
۵۲ داستان‌های بزرگسال	۱-۲-۲
۵۶ داستان‌های کودک	۲-۲-۲
۵۷ یادداشت‌ها	
۵۹ فصل سوم-ارتباط عنوان با کلیت متن	
۵۷ ساخت صرفی - نحوی عنوان	۱-۱
۵۷ عنوان‌های بسیط	۱-۱-۱
۵۹ ترکیبی از چند واژه	۲-۱
۶۴ جمله	۳-۱
۶۴ جمله‌ی فعلیه	۱-۳-۱
۶۴ جمله‌ی اسمیه	۲-۳-۱
۶۶ ساختار بلاغی	۲
۶۸ ساختار داستان	۳
۶۸ فرم	۱-۳
۶۸ کنشگران داستان	۱-۱-۳
۶۹ انسان	۱-۱-۱-۳
۷۰ حیوان	۲-۱-۱-۳
۷۲ صحنه و صحنه‌پردازی	۲-۱-۳
۷۲ مکان	۱-۲-۱-۳
۷۲ زمان	۲-۲-۱-۳

۷۸ ۳-۱-۳- لحن
۷۹ ۳-۱-۴- فضا و رنگ
۷۶ ۳-۲- محتوا
۷۷ ۳-۲-۱- مضمون و درونمایه
۷۹ ۳-۲-۲- نام‌گزینی مبتنی بر مکتب‌های ادبی
۸۳ ۳-۲-۳- نام‌گزینی با توجه به اعداد و اشیاء
۸۵ ۳-۲-۴- نام‌گزینی مبتنی بر بینامتنیت
۸۸ یادداشت‌ها
۹۸ فصل چهارم-ارتباط عنوان با مؤلف
۹۹ ۱- شرایط خانوادگی
۱۰۱ ۲- تحصیلات و مطالعات
۹۸ ۲-۱- شخصیت‌های تاریخی
۹۹ ۲-۲- شخصیت‌های دینی
۱۰۵ ۲-۳- شخصیت‌های ادبی
۱۰۵ ۳- باورها و اعتقادات دینی
۱۰۸ ۴- نقش‌های اجتماعی
۱۱۱ ۵- مکان جغرافیایی و شرایط اجتماعی
۱۱۸ یادداشت‌ها
۱۱۹ فصل پنجم-ارتباط عنوان با مخاطب
۱۲۱ ۱- مخاطب از منظر مؤلف
۱۲۱ ۱-۱- مخاطب پذیرنده
۱۲۲ ۱-۲- مخاطب منفعل
۱۲۲ ۲- شرایط مؤثر در خوانش مخاطب
۱۲۳ ۲-۱- پیش‌زمینه و عوامل اجتماعی

۱۲۳	۱-۱-۲- فرهنگ و محیط اجتماعی
۱۲۴	۲-۱-۲- ارزش‌ها و آداب و رسوم
۱۲۵	۳-۱-۲- محیط جغرافیایی
۱۲۶	۲-۲- مشخصه‌های فردی
۱۲۶	۱-۲-۲- سن
۱۲۷	۲-۲-۲- جنس
۱۲۸	۳-۲-۲- تحصیلات
۱۲۹	۴-۲-۲- گرایش فکری
۱۳۰	۳-۲- رویکرد مخاطب
۱۳۱	۱-۳-۲- قرائت تفنی
۱۳۲	۲-۳-۲- واقع‌گرایانه
۱۳۲	۳-۳-۲- تفسیری
۱۳۴	۴-۳-۲- تأویلی
۱۳۶	یادداشت‌ها
۱۳۷	نتیجه
۱۳۵	فهرست منابع

پیشگفتار

شرح مسأله

معمولا داستان‌ها سندی برای روایت دگرگونی‌های فرهنگی و سیاسی به شمار می‌روند. درونمایه و شیوه‌ی ساخت آن‌ها نشان دهنده‌ی شرایط جامعه و نیز نگرش نویسنده‌ی هر اثر است، که کشف دید و نگرش وی می‌تواند مخاطب را به کشف روابط درونی و عوامل بیرونی اثر از جمله: محیط، باورها، افکار و رخداد‌های یک دوره یاری رساند. انعکاس جهان داستانی، شخصیت و محیط اجتماعی و سیاسی نویسنده، در عنوان داستان، مهم‌ترین بخش و فشرده‌ی آن، به صورت رمز و نماد بازتاب می‌یابد و یکی از روش‌های نقد و تحلیل آثار ادبی، تحلیل عناوین آن‌هاست، از آن‌جا که عنوان، اولین دیالوگ خواننده با اثر، چکیده و عصاره‌ی متن است؛ می‌تواند در فهم و کشف جهان ذهنی نویسنده و کشف ایدئولوژی‌های حاکم بر متن روشنگرانه عمل نماید. با تحلیل عناوین می‌توان به کشف عواملی پرداخت که شاعران و نویسندگان در گزینش نام اثر خود به صورت خودآگاه و بر اساس دلایل و عوامل متعدد معنایی، ساختی، عمل می‌کنند و آن را به عنوان کلیدی در اختیار مخاطب می‌گذارند تا وی بتواند به محتوای داستان پی ببرد. همان‌گونه که هویت اشخاص با نامشان مشخص می‌شود با بررسی نام داستان نیز می‌توان به محتوای اثر، علاقه، امید و آرزوها، باورها و اندیشه‌ی صاحب اثر، شرایط سیاسی، اجتماعی، محیطی، جایگاه اجتماعی وی، رویکرد نویسنده به مکاتب و جریان‌های ادبی پی برد.

مقصود مؤلف شناساندن خود و جهان خاص خود به مخاطب است و مخاطب نیز به منظور کشف متن و جهان داستانی به خوانش داستان روی می‌آورد؛ بنابراین هر دو، بر مبنای یک رویداد هرمنوتیکی عمل می‌نمایند. از آن‌جا که تا آن هنگام که ارتباط برقرار نشود فهم و درکی صورت نمی‌گیرد، مؤلف با این هدف به رمزگذاری می‌پردازد. این رمزها اغلب، بیانگر آرزوهای وی است که هیچ‌گاه فرصت بیان آن‌ها را نیافته است. البته نویسنده در انتخاب زبان رمزی همیشه آزادانه عمل نمی‌کند و «این رمزها تحت شرایط زیستی و روحی خاص در درون انسان شکفته می‌گردد و چون کتاب ناخوانده و راز سربسته‌ای در مقابل عقل و خودآگاهی انسان قرار می‌گیرد؛ رازی که باید کشف شود و کتابی که باید خوانده شود» (پورنامداریان، ۱۳۶۴: ۱۹۹). در این صورت شرح راز و رمزها و کشف معنا بر عهده‌ی مفسر است که البته تنها با توجه به عنوان نمی‌توان به محتوای اثر پی برد؛ بلکه می‌باید با بررسی و تحلیل عناوین آثار در رابطه با متن، پرده از جهان ذهنی نویسنده برداشت و عواملی را که سبب شده است نویسنده از پوشیدگی معنایی استفاده نماید کشف و تناقض‌ها و جدال‌هایی را که در برخی عناوین مشاهده می‌شود حل نمود.

داد جاروبی به دستم آن نگار گفت کز دریا برانگیزان غبار

(مولوی)

درک جهان ویژه‌ی مؤلف و نیز تبیین پیوند این نگاه و نگرش با اجزای اثر و جهان بیرون از متن، از دغدغه‌های همیشگی علاقه‌مندان به خوانش هرمنوتیکی متون بوده است. این رساله نیز با چنین رویکردی به تبیین و تحلیل تطبیقی عناوین داستان‌های صادق هدایت و زکریا تامر پرداخته است. پیش از معرفی مختصر دو نویسنده و ذکر دلیل یا دلایل انتخاب آثار این دو برای انجام یک پژوهش تطبیقی، بایسته است اندکی درباره‌ی چرایی انتخاب این شیوه‌ی تحلیل و به صورت مشخص، چرایی انتخاب رویکرد هرمنوتیکی توضیح داده شود.

اگرچه ادعای کشف کامل جهان داستانی که سایه‌ای از جهان عینی است، بی‌اساس است اما برای تحلیل و پی بردن به پاره‌ای از حقایق در آثار ادبی و عناوین آن‌ها از شیوه‌های متفاوتی چون: ساختارگرایی، فرمالیسم، پساساختارگرایی و یا رویکردهای جامعه‌شناختی، روان-

شناختی، سیاسی و ... می‌توان بهره گرفت؛ هر یک از این روش‌ها، متن ادبی را از جنبه‌ای خاص بررسی می‌کند. از آن‌جا که رویکرد هرمنوتیکی نسبت به دیگر رویکردها از جامعیتی نسبی برخوردار است و نیز نقش دوگانه‌ی عنوان داستان، که چون رمزگان هرمنوتیکی عمل می‌نماید و نقش آن عبارت است از ایجاد سؤال در ذهن مخاطب، تعلیق و طرح معمایی که مخاطب را به منظور کشف آن به سوی متن می‌کشاند؛ این رمزگان «ممکن است یا سؤالی را صورت‌بندی کنند و یا پاسخ به آن را به تاخیر بیندازند یا حتی معمایی را طرح کنند و ما را به سوی راه حل آن رهنمون کنند» (سجودی، ۱۳۸۲: ۱۳۲-۱۳۳)، در این پژوهش با خوانش هرمنوتیکی به تحلیل عناوین پرداخته می‌شود؛ چراکه استفاده از علم هرمنوتیک که به مثابه‌ی قواعد فهم است، شرایط درک بهتر آثار ادبی را برای مخاطب فراهم می‌نماید. علت اصلی انتخاب این روش نیز همین کارکرد اخیر بوده است، و از آن‌جا که عنوان داستان‌های صادق هدایت و زکریا تامر سرشار از رمز و کنایه و اشاراتی هستند که از نگرش نویسندگان آن‌ها حکایت می‌کنند و خوانندگان می‌توانند با خوانش‌های خلاق خویش پرده از این رمز و رازها بردارند؛ خوانش هرمنوتیکی که تأکید بر معنا دارد و این معنا آن چیزی است که با توجه به متن تولید می‌شود، می‌تواند پژوهشگر را در فهم و درک بهتر آثار دو نویسنده یاری رساند.

پرسش‌های اصلی تحقیق

در این رساله برآنیم با تحلیل تطبیقی عناوین داستان‌های این دو نویسنده به پرسش‌های زیر

پاسخ دهیم:

۱- عنوان داستان با متن چه ارتباطی دارد؟

۲- ارتباط عنوان با نگرش نویسنده و مسائل اجتماعی و سیاسی عصر وی در چیست؟

۳- ارتباط عنوان با مخاطب و نقش مخاطب در فهم آن در چیست؟

فرضیه‌های تحقیق

فرضیه‌های این پژوهش نیز به شرح زیر می‌باشند:

۱- به نظر می‌رسد عوامل متنی مانند کنشگران، درونمایه و ... در گزینش نام داستان‌ها مؤثر

باشد.

۲- گاه عنوان و پوشیدگی آن ارتباط تنگاتنگی با عقاید، فرهنگ و ایدئولوژی‌های حاکم در عصر نویسنده دارد.

۳- نویسنده در عنوان کلیدهایی برای گشایش متن در اختیار مخاطب قرار می‌دهد و برای جذب وی از شگردهایی خاص بهره می‌گیرد، نوع خوانش مخاطب نیز در جاودانگی اثر نقش دارد.

چرایی گزینش آثار این دو نویسنده

باغها را گرچه دیوار و در است
از هواشان راه با یکدیگر است
شاخ از دیوار سر بر می‌کشد
میل او با باغ دیگر می‌کشد
شاخه‌ها را از جدایی گر غم است
ریشه‌ها را دست در دست هم است
هوشنگ ابتهاج
صادق هدایت و زکریا تامر، از جمله نویسندگان پیشگام و برجسته‌ی معاصر فارسی و عربی محسوب می‌شوند که در کنار تأثیرپذیری از نویسندگان غربی، مانند کافکا، سارتر، آلن پو و دیگر ادبایی که در روند ادبیات جهانی نقش داشتند، به فرهنگ گذشته نیز اهمیت می‌دهند. در میان آثار و ترجمه‌های هدایت از زبان پهلوی توجه و دلبستگی به میراث کهن مشهود است مانند مجموعه‌ی «گجسته دژ»، «آتش پرست» و ... در حقیقت او چون جغدی است که در خرابه‌ها به دنبال گنج می‌گردد و در نهایت نیز به آن دست می‌یابد. تامر نیز با استفاده از شگرد آشنایی زدایی، شخصیت‌های تاریخی را به عصر خویش می‌کشاند و با استفاده از آن‌ها جامعه-ی معاصر و دستگاه‌های حاکم بر آن را مورد انتقاد قرار می‌دهد و ارزشی را که در گذشته برای انسانیت قائل بوده‌اند، می‌ستاید. همچنین آن‌ها با توجه به مکتب‌های ادبی و فلسفی غرب، از جمله: اگزیستانسیالیسم، اکسپرسیونیسم و سوررئالیسم توانستند «با هنر ذاتی خود و نگاه تیزشان به لایه‌های درونی جامعه‌ی خود، طرحی نو در ادبیات سرزمینشان دراندازند» (حسینی،

۲۰۱۲: ۵۷). هر دو نویسنده به نوشتن داستان کوتاه گرایش دارند و دلیل این که در فصل اول رساله به این نوع ادبی تأکید شده است نیز همین امر است. درونمایه‌ی اکثر آثارشان مسائل و دغدغه‌های اصلی انسان، مرگ و زندگی بعد از مرگ است. در مجموعه‌های داستانی دو نویسنده، مضامین مشترک بسیاری مشاهده می‌شود که حاکی از روح حساس آن‌هاست، از جمله: نگرش تیره و تلخ آن‌ها نسبت به زندگی و جامعه‌ی خویش، که آن را با به تصویر کشیدن انسان سرگردان، سرخورده و ناامید در فضاها‌ی تیره و تار نشان می‌دهند. در حقیقت آثار آن‌ها مانند آینه‌ای در برابر جامعه است که مردم و دغدغه‌های آن‌ها در آن انعکاس یافته‌اند. هر دو نویسنده رویدادهای زندگی خصوصی مردم را ثبت می‌کنند و با درنگ در زندگی مردم ناتوان و ستم‌دیده، آرزوها، دغدغه‌ها و اندوه‌های آنان را به تصویر می‌کشند. زیر بنای داستان‌های آن‌ها سرگذشت مردم طبقه‌ی فرودست جامعه، کشاورزان، کارگران، بازرگانان و ... است که با مهارت ویژه‌ای زندگی این طبقه‌ی مستمند و تیره بخت ترسیم شده است و در جای جای وطن هدایت و تامل این افراد به چشم می‌خورند. معمولاً قهرمانان آن‌ها گوشه‌گیر و مردم‌گریز هستند و دلیل این امر آن است که این افراد محصول جامعه‌ای بیمار و مستبدند و گاه به جایی می‌رسند که برای رهایی از چنین دنیایی دست به خودکشی می‌زنند و آن را بهترین راه برای نجات خویش از فقر و فساد و تباهی می‌دانند. هدایت و تامل دنیا را همان‌گونه که هست می‌دیدند نه آن‌گونه که باید باشد. بنابراین تجربه‌های خود را در مورد مسائل متعدد به گونه‌ای بیان کردند که فراگیر و جهانی شد.

شرایط اجتماعی و سیاسی دو نویسنده: آن دو در جامعه‌ای زندگی می‌کنند که بر واژگونی ارزش‌ها و تقلب و دو رویی استوار است. در این جامعه، رابطه‌ها مبتنی بر حساب‌گری بوده و هر کس به فکر منافع خویش است، دین نیز مورد استعمار واقع شده و تنها وسیله‌ای برای دستیابی به اهداف است، هر کسی برای خودش قانون خاصی دارد و به نفع خویش، حدیث و روایت نقل می‌کند و در پناه دین به کثیف‌ترین کارها مشغول است. در چنین جامعه‌ای آرمان و آرزو از جامعه رخت بر بسته و جامعه‌ی انسانی به جنگلی تبدیل شده است. قهرمانان هدایت و تامل به دلیل عدم تحقق آرزو و تناقض بین جهان درونی و دنیای بیرون، به تنهایی و انزوا

روی می‌آورند. آن‌ها بیش‌تر از شیوه‌ی منولوگ بهره می‌گیرند و برای ایجاد جهان آرمانی خویش به جای کار و تلاش، به توهم و رؤیا پناه می‌برند؛ این امر می‌تواند نتیجه‌ی تنهایی و غربت این اشخاص در جامعه باشد.

ویژگی‌های شخصیتی دو نویسنده: هدایت و تامر هر دو انسان‌های آرام، منزوی و گوشه‌گیری بودند و حتی برای افرادی که آن‌ها را می‌شناختند نیز، ناشناخته باقی ماندند؛ به طوری‌که این افراد نیز اطلاعات زیادی از زندگی آن دو ندارند و همواره چهره‌ی واقعی این دو نویسنده در هاله‌ای از ابهام قرار داشته و دارد. درست‌کاری و واقع‌بینی ویژگی بارز دیگر این دو نویسنده است که موجب رویارویی تند آن‌ها با نهادهای اجتماعی می‌شد. هر دو نویسنده با مردم محروم، ناتوان و ستم‌دیده همدردی می‌کردند و از طبقه‌های مرفه جامعه بیزار می‌جستند. هیچ‌یک از این دو نویسنده تحصیلات دانشگاهی ندارند و در همان آغاز دریافتند که آن‌ها متعلق به دنیای دیگری هستند. دنیایی که خود، آفرینشگران آن هستند و با دنیایی که سرشار از دروغ‌های قشنگ است و تنها از دور آواز خوشی دارد، تناسبی ندارند. در واقع آن دو در پی راهی برای خدمت به خلق و بیان درد و رنج آن‌ها بودند که این تنها از طریق ادامه‌ی تحصیل و پژوهش بر روی دیگر آثار میسر نبود.

گرایش آن‌ها به بزرگانی چون کافکا و خیام: هدایت و تامر هر دو مانند کافکا از «تکنیک رؤیایی» بهره می‌گیرند و مخاطب را به فضایی خیالی می‌برند تا وی را با واقعیت‌ها آشنا سازند. معمولاً قهرمانان داستان‌های هدایت و تامر دارای زندگی تلخ هستند و در برخورد با این‌گونه زندگی که با فقر و بدبختی و گرسنگی همراه است، به توهم و رؤیا پناه می‌برند. در این مرحله، زندگی رؤیایی آن‌ها آغاز می‌شود که گاه تشخیص این دو مرحله‌ی زندگی، برای مخاطب بسیار دشوار است. همچنین ردپای افکار خیام در داستان‌های آن دو مشهود است، ناامیدی، یأس و احساس پوچی نشانه‌هایی از تأثیر اندیشه‌ی خیام بر آثار این دو نویسنده است.

در داستان‌های هدایت و تامر نگرش تیره و تلخ آن‌ها نسبت به زندگی و جامعه‌ی خویش نمایان است، این نگرش نشان‌دهنده‌ی انعکاس افکار بزرگانی چون کافکا، ژان پل سارتر و

ادگار آلن پو می‌باشد، که در سرتاسر آثار این دو نویسنده سایه افکنده است و تشکیل دهنده‌ی بن‌مایه‌ی اصلی داستان‌های آن‌ها است. این دو با نگرش انتقادی و طنز تلخ می‌خواهند مخاطب را به تفکر و تردید نسبت به شنیده‌ها وادارند. یکی از عوامل اساسی که باعث آشنایی نگارنده با تامر، نویسنده‌ی سوری شد، همین نگرش مشترک او با هدایت نسبت به مسائل حیاتی زندگی بود.

پیشینه‌ی تحقیق

عنوان در ادبیات فارسی و عربی از گذشته مورد توجه بوده است، با این تفاوت که در ادبیات عرب بیش از فارسی به نقش و اهمیت آن پرداخته شده است و پژوهش‌های نظری و کاربردی بسیاری در این زمینه انجام شده است. کتاب‌های زیادی نیز وجود دارد از جمله: *العنوان الصحيح للكتاب*، (۱۹۹۹م/۱۳۷۸ش) تألیف شریف العونی، *العنوان و سیموطیقا الاتصال الأدبی*، (۱۹۹۸م/۱۳۷۷ش) اثر محمد فکری و *العنوان فی النص الشعری الحدیث فی مملکت العربیة السعودیة*، از آثاری هستند که به عنوان اختصاص یافته‌اند. مقاله‌های بسیاری نیز در این زمینه وجود دارند که معرفی همه‌ی آن‌ها ضروری به نظر نمی‌رسد. اما در ادبیات فارسی تنها بخشی از چند کتاب و مقاله به بحث و بررسی درباره‌ی عنوان پرداخته‌اند. این آثار عبارتند از: مقاله‌ی «معناشناسی نام مجموعه‌ها» از دکتر شفیعی، (۲۰۰۱ش/۱۳۸۰م) «نام‌گزینی در روزگار سپری شده دولت‌آبادی» (۱۳۸۷ش/۲۰۰۸م) اثر قهرمان شیری، «عنوان کتاب و آیین انتخاب آن» (۱۳۶۹ش/۱۹۹۰م) از محمد اسفندیاری، «تحلیل نشانه- معناشناختی رمان‌های سیاسی فارسی از ۱۳۵۱-۱۳۸۰» (۱۳۹۰ش/۲۰۱۱م) اثر مصطفی گرجی و «عنوان- شناسی آثار هنری و ادبی ایرانی» (۱۳۸۸ش/۲۰۰۹م) اثر بهمن نامور مطلق.

در آثاری که ذکر شد برخی فقط نظریه‌هایی درباره‌ی عنوان مطرح می‌کنند و به صورت مختصر اطلاعاتی در این زمینه به دست می‌دهند و در جایی که به صورت کاربردی و عملی به بررسی عناوین می‌پردازند تنها یک جنبه‌ی خاص (مانند عوامل سیاسی) را مورد توجه قرار می‌دهند و از عوامل فراوان دیگری که در گزینش نام مؤثر است، چشم می‌پوشند.

نقد منابع

از آنجا که عنوان اثر ادبی اهمیت زیادی در پی بردن به محتویات اثر و نیز نگرش نویسنده دارد، بزرگان ادبیات در این زمینه به بحث و بررسی پرداخته‌اند از جمله دکتر شفیعی، که معتقداند:

«جمال شناسی نام کتاب‌ها، در هر دوره، ساختارهای نحوی مورد علاقه شاعران و تم‌ها و موتیوهای مورد توجه ایشان را نشان می‌دهد و میزان نزدیکی و دوری شاعر را نسبت به بوطیقای شعر فرنگی و ترجمه‌هایی که در آن دوره رواج داشته است. هیچ ضرورتی ندارد که برای تحلیل ساحت‌های جمال‌شناسی یک شاعر حتماً دیوان‌های او خوانده شود، می‌توان از روی نام این کتاب‌ها، ذهنیت او را تحلیل کرد» (شفیعی، ۱۳۸۷: ۲۶۴-۲۶۵).

البته به نظر می‌رسد ایشان با رویکردی فرمالیستی، به تحلیل عناوین می‌پردازند و تنها بر جنبه‌ی بلاغی آن تأکید دارند و از این‌که عنوان گاه به دلایل متعدد، رابطه‌ی متناقض با متن و نیت مؤلف دارد غفلت می‌ورزند، چراکه کشف این رابطه در گرو خوانش و فهم متن است. لئونارد بیشاپ، که خود نیز داستان نویس است، بر این باور است که، اسم داستان اهمیت زیادی ندارد، چون محتوای آن را برای خواننده مشخص نمی‌کند. وی معتقد است عنوان داستان زمانی برای مردم معنی پیدا می‌کند که کتاب را بخوانند و یا به انتهای آن برسند. بنابراین محتوای داستان خواننده را ترغیب به خواندن می‌کند نه اسم آن (بیشاپ، ۱۳۷۴: ۴۱۴-۴۱۵). ایشان بر خلاف نظر دکتر شفیعی بر محتوای اثر تأکید می‌نمایند و از نقش مهم عنوان که پل ارتباطی میان متن و مخاطب است غفلت می‌ورزند؛ چراکه هیچ نویسنده‌ای متن داستان را بدون پوشش در اختیار مخاطب قرار نمی‌دهد، خواه ناخواه مخاطب ابتدا با عنوان اثر مواجه می‌شود و ذهنیتی نسبت به آن پیدا می‌نماید. در حقیقت عنوان رابطه‌ای دوسویه با متن و مؤلف دارد و با در بر داشتن گوشه‌هایی از ذهنیت وی و نیز جهان داستانی، تنها گوشه‌ای از آن؛ مخاطب را برای کشف جامعه‌ی داستان به سوی متن می‌کشاند.

ضرورت، اهداف و کاربردها

نگارنده تا کنون اثری را که به صورت همه‌جانبه به ارتباط عنوان داستان، با توجه به بافت اثر پرداخته باشد، مشاهده نکرده است. شاید به جرأت بتوان گفت که تحلیل نام داستان به صورت تطبیقی و با رویکرد هرمنوتیکی اساساً مقوله‌ای بی‌سابقه است.

نگارنده‌ی این رساله می‌کوشد با استفاده از اصول هرمنوتیکی (بنا به تعریفی که ذکر شد) و تحلیل تطبیقی، ارتباط عنوان داستان‌های دو نویسنده را با متن و عوامل فرامتن دریا بد و عناوین را از منظر شکل و محتوا، تحلیل و بررسی و خوانش نوینی را در زمینه‌ی عنوان ارائه نماید و عوامل متنی و فرامتنی را که بر گزینش نام داستان‌های صادق هدایت و زکریا تامر مؤثر بوده است، به صورت تطبیقی مورد بحث و بررسی قرار دهد و با تحلیل و توصیف آن‌ها بتواند به درک بهتری از ذهنیت و شرایط متنی و فرامتنی مؤثر در انتخاب نام داستان در عصر دو نویسنده برسد. نتایج حاصل از مقایسه‌های انجام شده در این پژوهش می‌تواند در خوانش دیگرگونه‌ی مخاطب ادبیات داستانی مؤثر باشند و او را در پی بردن به معنای نهانی پشت واژه‌ها یاری رسانند.

روش تحقیق

در این پژوهش به اصول مکتب امریکایی توجه شده است که مبتنی بر وحدت اندیشه-هاست و در آن مسأله‌ی داد و ستد شرط اصلی پژوهش تطبیقی نیست؛ بلکه خود اثر ادبی مورد توجه قرار می‌گیرد. در این مکتب «آثار هنری کلیت‌هایی هستند که در عرصه‌ی تخیل آزاد نضج گرفته‌اند و تجزیه‌ی آنها به منابع و تأثیرات به منزله‌ی تجاوز به تمامیت و معنی آنهاست» (ولک، ۱۳۸۹: ۸۹). همچنین این مکتب، ادبیات را از انحصار تاریخ بیرون می‌آورد و اثر هنری را یک کل چند بعدی با انواع دلالت‌های زیباشناسی، روانشناسی، جامعه‌شناسی، فلسفی و ... می‌داند و زمینه‌ی تحلیل آن را فراهم می‌آورد. در این جا نیز هدف از بیان شباهت‌ها، اثبات رابطه‌ی تأثیر و تأثری بین دو نویسنده نخواهد بود. درباره‌ی روش گردآوری مطالب این رساله نیز باید گفت که به شیوه‌ی کتابخانه‌ای و به روش فیش برداری از منابع مورد نظر و تجزیه و